

سلسلہ مباحث اخلاق و عرفان (۱۹)

سفر بہ کعبہ جانان

وظایف معلم و متعلم

تقریرات

استاد علی اللہ وردی خان

سرشناسه	: اللهوردیخانی، علی، ۱۳۰۱ -
عنوان و نام پدیدآور	: وظایف معلم و متعلم / تقریرات علی اللهوردیخانی.
مشخصات نشر	: تهران: توسعه دانش، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۶۶ ص.
فروست	: سلسله مباحث اخلاق و عرفان؛ سفر به کعبه جانان [ج. ۱۹].
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۹۳۵-۰-۴ :
وضعیت فهرست نویسی : قیفا	
موضوع	: معلمان -- اخلاق حرفه‌ای -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام
موضوع	: Teachers -- Professional ethics -- Religious aspects -- Islam :
موضوع	: شاگردان -- اخلاق -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام
موضوع	: Student ethics -- Religious aspects -- Islam :
رده بندی سنگره	: BP۲۵۴/۴/الف/۷۶۱۳۹۵ :
رده بندی دیوید	: ۲۹۷/۶۵۳ :
شماره کتابشناسی	: ۴۴۵۸۰۱ :

سفر به کعبه جانان



عنوان • سلسله مباحث اخلاق و عرفان

وظایف معلم و متعلم

تالیف و تدوین • علی اللهوردیخانی

ناشر • توسعه دانش

نوبت چاپ • اول، ۱۳۹۵

چاپ • خانه چاپ پایدار

تیراژ • ۱۵۰۰ جلد

قیمت • ۳۰۰۰ تومان

نشانی: تهران، میدان انقلاب، خیابان انقلاب، ساختمان ۳۱۰، طبقه زیر همکف

تلفن: ۶۶۴۱۵۴۵۹-۶۰

سایت: www.elmo-danesh.ir

فهرست مطالب

۷	پیشگفتار
۹	مقدمه
۱۷	علم و سرشت، زیباترین واژه آفرینش
۲۲	پیوند علم و عمل
۲۶	قداست معلم در تکیه و تسبیح
۳۲	وظایف معلم
۳۳	تشویق به اخلاص
۳۴	روشن تذکر خلاف‌ها
۳۵	رعایت اعتدال در تعلیم
۳۸	انصاف و سعه صدر
۴۱	آراستگی و رعایت ظواهر
۴۱	ادب در کلام و رفتار
۴۱	تنظیم مطالب و ارائه مناسب
۴۷	روشن پاسخگویی به سؤالات
۵۱	وظایف متعلم
۵۱	تقلیل گناه و تقویت حافظه
۵۲	تحصیل علم در جوانی
۵۴	رفع سدّ موانع

۵۵	وظایف متعلم نسبت به معلم
۵۹	فهرست آیات
۶۱	فهرست احادیث
۶۳	گزیده منابع و مأخذ
۶۵	فهرست مجلدات سفر به کعبه جانان

www.ketab.ir

پیشگفتار

کتاب حاضر بخشی از مجموعه تقریرات استاد فقید جناب آیت الله العظمی در روضه‌خانی در طی نیم قرن گذشته است که در جلسات تربیتی - ویش بیان فرموده‌اند.

این گنجینه ارزشمند از حقایق عالیه دین مقدس اسلام، سالیان متمادی از دسرس عموم به دور بوده تا این که در سالهای اخیر توسط متعمین انسان، تنظیم و به توفیق الهی برای استفاده شیفتگان مکتب اهل بیت عصمت و طهارت^(ع) به زیور طبع آراسته شده به امید آن که متجا به پیشگاه حق واقع گردد.

ضمن سپاس و قدردانی از زحمات طاقه سرمدی معظمه، از این که در زمان حیاتشان اجازه تدوین و تنظیم این مجموعه را یافته‌ایم به درگاه الهی شکرگزاریم و پیشاپیش از هرگونه سهو و خطای احتمالی به هنگام یادداشت برداری یا تنظیم و بازنویسی مطالب، پوزش می‌طلبیم. امید است که خوانندگان محترم بالاخص صاحب نظران و اهل فضل با نظرات عالیه خود ما را در چاپ‌های بعدی این آثار یاری فرمایند.

مقدمه

سپاس موفور و ستایش نامحصور بر صرف وجودی که مستور است از غایت ظهور و محجوب است از شدت نور. هر تو که در خفاست برتر است از درک هر عارف، و از تفرّد در صفات برتر است از وصف هر واصف. اوست مختص به وجود و عدم، و ماسرّاح اوست مخصوص به حدوث و عدم. اوست ابتدای هر وجه و اوست انتهای هر موجود.

درود بر سرور فرستادگان الهی، مهتر عالم، خاتم انبیاء، محمد (ص) و آل طاهرینش. پس که به سبب انقطاع و تسلیم محض، به منزلگه جانان رسید. به «رل» «ثُمَّ دَنَا» رسید و بر بساط «فَتَدَلَّى» قدم نهاد و به «قَالَ تَوَلَّيْنِ» قرب بررفته، بر بالش عزّت «أَوْ أَدْنَى» تکیه نمود و شرب عشان نهشید و راز دوست شنید و به وصال او نایل گشت.

خداوند متعال آن محبوب الهی را اول به کمالات حقیقه متأدّب نمود، سپس او را الگو و اسوة انسانها قرار داد. مردم را به اقتداء او امر کرد. این معلّم اول انسانها نه تنها معانی ظاهریه قرآن و احکام فرعی آن را به صورت سنن و قول و فعل و تقریر بیان فرمود، بلکه حکم و معارف غیبی و لطایف شهودی و براهین عقلی و آداب سیر و سلوک مردان الهی و سنن تهذیب متخلّقان خدایی را نیز بیان فرمود.

سالکین الهی باید راه معلم اول بشر را طی نمایند و
مراحلی را بپیمایند که این محبوب خدا پیمود. مسلماً بدون
مراجعه به حق و این بزرگوار و عترت گرامی او، به مقصد
نتوان رسید. چه، هرگونه حرکتی که به محبت حق و اولیاء
گرامی او انجام نیابد، به هدف نرسد.

البته معلم ازلی، خدای تبارک و تعالی است و جز او
کسی علم آفرین نیست «عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ» اما در عالم
امکان، معلمین متعدّدند. گرچه در بین اهل نظر چنین رایج
است که معلم اول، ارسطو و معلم ثانی، فارابی است، لکن
اهل تحقیق بر آنند که معلم اول بشر، حضرت رسول اکرم (ص)،
معلم ثانی، حضرت اوصیاء و معلم ثالث، حضرات اولیاء و
علمای ربانی می باشند.

معلمین واقعی آنست که سالها در مکتب الهی تربیت
یافته و به راه و رسم برگزیده در امر تعلیم و تربیت واقف
گشته و مراحل معلمی را طی کرده باشند. آری تا انسان
مجذوب جاذبه الهی نگردد و تشنه برای او از نظاره و
تعلیم و تربیت الهی نباشد، نمی تواند مراحل تکامل را بپیماید
و موفق به شکوفایی استعدادهای خود و سایرین گردد، بلکه
چه بسا مغلوب دشمنان بیرونی و بالاحص درونی شود، از
مقام شامخ انسانیت ساقط گردد.

وقتی خداوند متعال بخواهد فردی را به سعادت برساند،
به او رشد عقلی کرامت می نماید تا از صحبت کسانی که در
طریقه باطل هستند، اجتناب ورزیده و به اهل صلاح و تقوی
راغب گردد، که پیغام دوست روح را تقویت می کند.

دریغا که پیغام دوست همیشه می رسد و به همه مبدول

است، اما با غیر آشنا سازش ندارد. سخن شمع را باید به پروانه دل گفت، این حدیث تنها با سوختگان سازش می‌نماید. با پای پر آبله باید طریق حق را سیر نمود و مشقت و رنج سفر را هموار کرد. بزرگان فرموده‌اند که در طریق حق، دم نباید زد، گام باید برداشت.

محفل عالم ربّانی و عارف واصل، در معنی طور نیست و از چنان محفلی، بوی جنت و بلکه رایحه عرش معنی می‌آید. کلام عالم حقیقی ظاهراً بیان اوست، اما در معنی کلام نداد است که به زبان او جاری می‌شود. چنین مردان الهی را علایم و نشانه‌هایی است که باید جویندگان و رهروان طریق الهی، با آن نشانه‌ها آنان را بشناسند.

بر مردم، علی‌الخصوص بر سالکین الهی است که این شخصیت‌های والامقام را بشناسند و از آنان استقبال نمایند، و بدانند که سرانجام تکیه بر خود، سقوط در ورطه هلاکت است.

عنایت ازلی اقتضاء می‌نماید هیچ‌گاه ندادند تبارک و تعالی بشر را بی‌حجت نگذارد.

اگر صلاح در این است که حضور مولای زمان سلام‌الله علیه ظاهراً در پرده غیبت باشد، باید در هر عصر، نفس کامله یا نفوس کامله یا علمای ربّانی باشند که فرموده ایشان را، تعالیم و اوامر الهی را تبلیغ کنند، و این حکم عقل سلیم است.

این عالمان ربّانی و عارفان حقیقی را علایمی است و آثاری «وَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَائِنًا لِنَفْسِهِ، حَافِظًا لِدِينِهِ، مُخَالَفًا عَلَى هَوَاهُ، مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ...». آری منظور از پیر راه، شیخ و

عارف و استاد الهی، در حقیقت فقهاء والامقام شیعه هستند که به فرموده امام صادق (ع)، دارای شرایط چهارگانه مذکور در حدیث فوق می‌باشند. به طوری که اگر شرایط مذکور به حد کمال تحقق یابد، به مقام علمای ربانی و واصلین و مخلصین نایل آیند.

در این شناخت، معیار صدق و کذب، و محور تصدیق و تکذیب، عقل است چنان که حضرت رضا علیه‌السلام فرموده: «الْعَقْلُ يُعْرِفُ بِهِ الصَّادِقَ عَلَى اللَّهِ فَيُصَدِّقُهُ وَ الْكَاذِبَ عَلَى اللَّهِ فَيَكْفُرُ بِهِ». این مردان الهی، کسانی هستند که از تعلقات دنیوی هایم یافته‌اند و قلوبشان معدن تقواست، چنان که حضرت رسول (ص) فرموده: «لِكُلِّ شَيْءٍ مَعْدِنٌ وَ مَعْدِنُ التَّقْوَى قُلُوبُ الْعَارِفِينَ». برای هرچیزی معدنی است و معدن تقوی، دل‌های عارفان است. آری ایشان آنی که گرد دام محبت پرواز می‌کنند، آنانند که به کلی خود را تصفیه نموده‌اند.

آثار الهیه حیات واقعی از سین‌های سوزان و چشم‌های اشکریزان و دل‌های درخشان = دل‌های ربانی و عاشقان الهی سرچشمه می‌گیرد. اثری از آثار آحاد حیات الهیه عارفان و عاشقان، کلام ایشان است. آثار و خواص باطنی کلام آنان بر کسانی روشن است که مراتب بصیرت دیدن باطنی‌شان در حد کمال است.

بهترین کلامی که معتکفان صوامع قدس، دیباچه «کتاب مَرْقُومٌ بِشَهَادَةِ الْمُقَرَّبُونَ» موشح نمایند، و عالی‌ترین مقامی که محرمان مجامع انس، فهرست «انْ كِتَابُ الْأَبْرَارِ لَفِي عَلِيْن» زینت دهند، عشق است، عشق به خدا. لذا بالاترین وظیفه علمای ربانی و اولیاء الهی نسبت به متعلمین مکتب ربوبی،

تعلیم عشق است. آنانند که متعطشان وادی ضلالت را به شراب طهور «عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ» سرمست سازند و به جام «وَكَأْسٍ مِنْ مَعِينٍ» سیراب گردانند.

غذای روح، معارف است و این معارف، مقامات و درجات اوست، جَنَّت اوست بلکه فوق آن، که بهشت آفرین را یافته است. اگر آدمی روح خود را از معارف باز دارد، در آن صورت، آن ذخایر آکنده از زخارف شده، درکات اوست؛ این است حقیقت. باید بدانیم که قلم ردّ بر معرفت فکری زدن و خط ببالان بر منشورات براهین عقلی کشیدن، در واقع خط میلان بر بستی خویش زدن است.

عالم ربانی و عارف الهی می‌کوشد تا چراغ دقایق و لحظات انسان‌ها را از مشعل همواره روشن لاهوت که خویشتن استضائه کرده، فروزند او را آتش عشق ربوبی می‌سوزد و از مشرب قدس احمدی (ص) و مکتب انس علوی، درس عشق و کشف و عروج می‌آموزد.

او می‌خواهد جامهٔ جان انسان را در کمال آرامش فروشوید تا دست از سفرهٔ سیاه عالم طبیعت ببرد. هر کلمه‌ای که عالم ربانی و عارف الهی بر تشنگان وادان رحمت گوید، و هر اشاره‌ای بر جان مشتاقان کند، گرهی از سفرهٔ رحمت می‌گشاید. از اینروست که با اتکاء به نفس و بدون گرایش به محضر مردان الهی، بصیرت باطنی انسان به مقام تحقق نمی‌رسد.

مردان الهی کسانی هستند که به مقام شهود رسیده‌اند. نوشته‌ها و کلام آنان، آثار و علایم و تجلی علم شهودی آنان است. علم شهودی در کاغذ و کتاب و کتیبه و پوست

نمی‌گنجد؛ علمی است که در صحیفه اول است و راقم الهی در آن رقم می‌زند و نغمه «کَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ» را در لوح دل ایشان می‌نگارد.

اما هر دلی را این قابلیت و شایستگی نیست. آینه دلی که زنگ زده و مکدر است، قابل انعکاس نیست و نشان نمی‌دهد مگر لیلی مجازی را. آن آینه‌ای که لیلی حقیقی را، معشوق ازلی را می‌نمایاند، خود حقیقی است نه خود مجازی.

این است که یکی از ارکان نکات دقیقه و رقیقه برای هر علم و ربی الهی، پاکی نفس و صفای دل است که تا این مناسبت یا زور الهی در او تحقق نیابد، حصول نتایج الهیه از تعلیم و تربیت بی‌معنی و بی‌محتوا بوده و از امور محالیه به شمار می‌آید. ابرم عالی‌ترین دانشگاهی است که بنیاد آن بر طهارت نفس ناشاء است.

آری مربی الهی در بر مطالعه کتب عالیه و تلاش در تحصیل علوم و معارف حق، باید اول از همه نفس خود را در بوته ریاضت بگدازد و تصفیه کند. به واسطه اکسیر عشق و تقوی، مس دل خود را مبدل به طلا کند و الا سزاوار این منصب خدایی نخواهد بود.

متعلمین مکتب الهی، آن جوانمردان راه حق بدانند آن که خیمه در کوی عشق زند، از دیدن جفاها و بلاها فارغ نخواهد شد. او را به زنجیر ضجرت از در حلقه بی‌نیازی، حلق نیازش را بیاویزند. اما آن که قدم در بساط دنیا نهاد، عاشق دنیا شد.

علمای ربانی و واصلینی که خیر عاقبت نصیب آنان گشته، از همان مراتب عقلی و امکانات تعلیمی و تربیتی برخوردارند که یک سالک الهی بهره‌مند است، با این تفاوت که آنان تا پایان

عمر ملبس به لباس تقوی شدند و آلا تنزل و یا سقوط می کردند.

مسلماً علامتی از علایم پیروزی خصم بر انسان و به خصوص بر رهرو الهی، این است که ظواهر به او راه یابد و سیرش در ظواهر گردد، هر چند ظواهر علم باشد. اما توصیه اکید بزرگان این است که سالکا در رفع حجب کوش نه در جمع کتب، که علم بدون عمل و تزکیه و بدون تواضع، به کار نهد و بر حجاب افزاید.

ره روان الهی، آن معلمین دلسوز و مریبان حقیقی بشر، سرّ تمرّد از انحراف انسان‌ها را چنین بیان می فرمایند که پیروی از لذات و شریکات کذب، نفسانی، موجب سرپیچی از پیروی مصلحین و بزرگان دین می گردد.

هر که تابع هوی های نفسانی شود، لذات و شهوات او را به هبوطی کشد که در آن فتنه غیظ و عقل رو به خاموشی گراید و در آن مهبط، فطرت و فضایل انسانی ساقط گردد و بسا که به انکار حقایق و مبارزه با اهل حق منتهی شود.

کسانی که در صدد انکار حقایق بر آید و بدون تحقیق درباره مردان الهی قضاوت می کنند، مبتلا به بیماری جان سوز خود فریبی گشته اند. گجایند آن غفلت زدگان که اگر در ایشان درد طلب می بود، از بیماری کفر و نابینایی «صُمُّ بَكْمٌ عُمَى قُلَّةٌ لَا يَعْقِلُونَ» رهایی می یافتند.

اگر آدمی این حقیقت را می پذیرفت که جمال و کمال بی حدّ و مرز الهی در انتظار اوست، هرگز خود را در راه پدیده های فریبنده کمال نما و زیبایی های زودگذر نمی باخت؛ و این مجنون های جوامع، آن من خداجو و بی نهایت گرا را در راه وصال لیلی دنیا نمی فروختند.